

یکی از ... ترین

دستور زبان فارسی

غلط عجیبی که اخیراً در بعضی نوشته‌ها متداول شده و گاهی به شیوه گفتار هم سرایت کرده جمله‌هایی از این قبیل است :

یکی از بهترین کارخانه پارچه بافی ...
 فردوسی یکی از بزرگترین شاعر جهان است .
 حتی در نوشته بعضی از دانشمندان اخیر هم با از روی اشتباه یا بر اثر غلط چایی نظیر این جمله‌ها دیده می‌شود .

«اینک صورتی از قدیمترین نسخه دیوان حافظ که در بعضی کتابخانه‌ها ... موجود است .»^۱

(دیوان حافظ - چاپ قزوینی - ص ۳۰ مقدمه)

نخست باید دانست که یکی از معانی حرف اضافه «از» بیان جزء و قسمت چیزی است . پس در چنین موردی ناگزیر باید اسمی که بعد از آن می‌آید بصیغه جمع باشد تا بتوان جزئی از آنرا مجزا کرد و درباره آن حکمی کرد ، خاصه که کلمه «یکی» پیش از آن آمده باشد و پیداست که «یکی» را از «چندتا» جدا می‌توان کرد ، اما جدا کردن «یکی» از «یکی» بی‌معنی است . پس «یکی از مردان» می‌توان گفت و «یکی از مرد» معنی ندارد . با آنکه این نکته آشکارست و محتاج اثبات نیست چند مثال در این باب می‌آوریم :

از عمل یکی آنجا بی ادبها کرد (تاریخ سیستان)
 منصور پیش از این عهد خراسان به یکی از مهربان فرستاده بود ... (مجموعه التواریخ)
 یکی از متقدمان شعراء عجم ... (المعجم)
 یکی از مشاهیر نسا بور را قولنج بگرفت (چهارمقاله عروضی)
 یکی از پادشاهان پیشین در رعایت امور مملکت سستی کردی (گلستان)
 یکی از صالحان بخواب دید پادشاهی را در بهشت ... (گلستان)
 شنیدم که از یار سایان یکی بطیبت بخندید با کودکی (بوستان)
 اما هنگامی که صفت تفصیلی یا عالی پیش از این کلمه می‌آید ، و این مورد بحث ماست ، چند وجه استعمال است . از این قرار :

۱- احتمال غلط چایی در این مورد از آنجاست که چند بار دیگر در همین مقدمه این تعبیر درست آمده است : «این نسخه باز یکی از بهترین نسخ موجوده دیوان حافظ است» ص ۳۰ . همان کتاب .

۱- صفت تفضیلی (با پسوند «تر») مقدم براسمی است که بصیغه جمع آمده است، مانند: «بهترشاعران». در این حال کلمه اول یعنی صفت به کلمه بعد اضافه می‌شود یعنی میان آنها کسره اضافه وجود دارد و مراد آن يك مرد است. «بهترشاعران» یعنی يك شاعر که از همه شاعران بهتر است. مثال:

نادانتر مردمان آنست که مخدوم را بی حاجت در کارزار افکنند (کلیله و دمنه)

آدمی شریفتر خلائق و عزیزتر موجودات است (ایضاً)

خدمت پادشاهان فاضلتر اعمال است (ایضاً)

نامقبولتر چیزها نزدیک توصیحت است (ایضاً)

بهتر کارها آنست که فائحتی مرضی و عاقبتی محمود دارد (کلیله و دمنه)

۲- هر گاه صفت تفضیلی براسمی مفرد مقدم شده باشد در حکم صفت عادی مقدم

است و علامت اضافه ندارد:

گرامی تر کس نزدیک من توئی (قابوس نامه)

تمامتر جوانمردی آنست که چیز خویش را از آن خویش دانسی و طمع از

چیز خلق ببری (قابوس نامه)

۳- چون صفت عالی - با پسوند «ترین» - مقدم براسمی که بصیغه جمع است بیاید

صفت به اسم اضافه شود یعنی پس از صفت کسره اضافه وجود داشته باشد از این ترکیب مفهوم مفرد اراده می‌شود:

یا قوت سرخ در بلندترین منزهات معادن است (کشف المحجوب سجستانی)

برترین فرزندان آنست که از اطاعت پدر و مادر ابا نماید (کلیله و دمنه)

گاهی در این مورد اسم بصورت مفرد و بمعنی جمع است. در این حال نیز کسره

اضافه وجود دارد و حکم آن همانست که ذکر شد و مفهوم مفرد را می‌رساند.

خردمندترین خلق آنست که از جنگ بیرهیزد (کلیله و دمنه)

۴- چون صفت عالی - با پسوند «ترین» - مقدم براسمی مفرد باشد علامت اضافه

وجود ندارد:

لایقترین سیاق حکایت آن زاهدست (کلیله و دمنه)

۵- چون صفت عالی مقدم براسمی که بصیغه جمع است بیاید و کسره اضافه در

میان نباشد مجموع ترکیب مفهوم جمع را می‌رساند. «بهترین مردان» (بی کسره اضافه

در آخر کلمه بهترین) یعنی مردانی که بهترینند؛ مثال:

کشف کنم درین کتاب از هفت اصل که آن **بزرگوارترین اصلهاست**

(کشف المحجوب)

بیشترین چیزها که در شب پدید آیند بر اندازه شب باشند (کشف المحجوب)

شیوه استعمال اخیر در نظم و نثر قدیم رواج بسیار نداشته است. اما اکنون بسیار

متداول است و این ترکیب را بیشتر با عبارت « یکی از . . . » بکار می‌برند و می‌گویند و می‌نویسند .

یکی از بهترین کارها معلمی است .

ابن سینا یکی از بزرگترین دانشمندان ایران است .

پیداست که در این نوع استعمال همیشه باید اسمی که پس از صفت عالی می‌آید به صیغه جمع باشد و مفرد آوردن آن غلط محض است و یا هیچ معنی ندارد . پس می‌توان گفت و نوشت :

۱- بزرگتر دانشمندان ایران ابن سیناست (با اضافه بزرگتر به دانشمندان - اما این شیوه اکنون متروک است)

۲- بزرگتر دانشمندان ایران ابن سیناست (بدون کسره اضافه - این شیوه هم اکنون متداول نیست)

۳- بزرگترین دانشمندان ایران ابن سیناست (با کسره اضافه در آخر بزرگترین)

۴- بزرگترین دانشمندان ایران . . . (بدون کسره اضافه در آخر بزرگترین)

۵- یکی از بزرگترین دانشمندان ایران . . . (بدون کسره اضافه - این طرز در نظم و ترفند کم رایج بوده و اکنون رواج فراوان دارد)

اما صورت ذیل :

یکی از بزرگترین دانشمندان ایران . . . چه با کسره اضافه و چه بی آن غلط و بی معنی است و از آن پرهیز باید کرد .

پ . ن . خ .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

يك روز بهار

دی سرو به باغ سرفرازی می‌کرد سوسن به چمن زبان درازی می‌کرد
در غنچه نسیم صبحدم می‌پیچید با بید و چنار دست بازی می‌کرد
سلمان ساوجی